

موانع رشد شخصیت انسان در خانواده

از نگره قرآن و روایات*

□ محمد میرزایی^۱
□ زهرا مکفی

چکیده

شخصیت در قرآن و متون روایی، به نیت و شاکله یاد شده و به واقع، همان خلق و خوی رفتار ساز و نسبتاً پایداری است که از مجموع غرایز و عوامل تربیتی و اجتماعی حاصل می‌شود. مجموعه عوامل منظور، براساس مبانی و غایتی است که اسلام از انسان و شخصیت انسانی دارد. خانواده یکی از مهمترین کانون‌های شکل‌گیری، رشد و شکوفایی شخصیت انسان است. موضوع این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای فراهم آمده، بخشی از مهم‌ترین موانع رشد شخصیت در خانواده و آسیب‌های آن از منظر قرآن و روایات است. این موانع در دو حوزه جهل نظری و جهل عملی تبیین شده است. ناآگاهی خانواده به خصوص پدر و مادر از جایگاه خود، خداوند، شیطان و شیوه‌های رشد و تربیت، از موانع رشد شخصیت در خانواده در حوزه جهل نظری است. رهاسازی تربیت، برون‌سپاری و سهل‌انگاری والدین در آموزش عملی و علمی اخلاق، شعائر، دستورات اسلامی و مسائل عقیدتی، تنش در روابط والدین، دنیاگرایی و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۹.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، نویسنده مسئول (mirzaee@razavi.ac.ir).

۲. سطح سه حوزه علمیه.

عدم طبقه‌بندی مسائل مورد نیاز فرزندان در دوره‌های مختلف سنی، از موانع عملی رشد و شکوفایی شخصیت در خانواده از نگاه قرآن و روایات است. **واژگان کلیدی:** قرآن، روایات، شخصیت، انسان، خانواده، موانع رشد

مقدمه

عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و شکوفایی شخصیت انسان سهیم‌اند. چنان‌که فقدان برخی موانع نیز در این فرآیند تأثیرگذار است. خانواده از مهمترین عوامل مورد نظر به لحاظ زمان، مکان، گستره و استعداد است. خانواده مهمترین کانون تأثیرگذار بر جامعه انسانی، انسان و شخصیت است و پیشینه آن، به روزگار خلقت انسان در روی زمین باز می‌گردد. درباره خانواده، فوائد، اختلافات و راهکارهای حل آن و... از نگاه قرآن، روانشناسی، جامعه‌شناختی و... تألیفات زیادی سامان یافته است. خانواده نیز مثل هر پدیده دیگری آسیب‌پذیر است و وجود برخی امور در آن، مانع رشد و شکوفایی شخصیت انسان می‌گردد.

آنچه در میان تألیفات، کمتر مورد توجه قرار گرفته و نیازمند گفت‌وگو و پژوهش و نگارش بیشتر است، آسیب‌ها و موانع رشد شخصیت در خانواده است. شخصیت هر انسان، برآیند مجموعه غرایز و محصول چگونگی تعلیم و تربیت اوست.

بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان، تأثیر خانواده در شکل‌گیری شخصیت، بیش از هر عامل دیگری است؛ زیرا وسعت زمانی حضور انسان در خانواده، اقتضائات سنی ایام طفولیت به لحاظ ذهنی، عاطفی و آمادگی‌های روحی و روانی فرزندان در یادگیری و دریافت آموزه‌ها در هر یک از اشکال عملی و نظری بر هیچ اندیش‌مندی پوشیده نیست. از این رو، اگرچه نگارندگان نیم‌نگاهی به متون روانشناسی و کاوش‌های علمی و تجربی محققان هم داشته‌اند؛ اما به دلیل آن‌که قرآن و روایات از جهان، انسان و شخصیت او، شناخت متقن و عالمانه‌تری دارند، بدنه اصلی مقاله بر موانع رشد شخصیت انسان در خانواده از نگاه قرآن و روایات تکیه دارد.

مقاله که روش توصیفی و تحلیلی دارد، به کمک مراجعه مستقیم به متون مکتوب قرآن، روایات، تفاسیر قرآن‌پژوهان و حدیث‌شناسان فراهم شده است. پس از بیان مفهوم

شخصیت، خانواده و اصطلاحات حدیثی و قرآنی مترادف آن، اشاره‌ای کوتاه به عوامل رشد شخصیت داشته و سپس جایگاه خانواده در قرآن و روایات را تبیین نموده است. سؤال اصلی در مقاله آن است که موانع رشد و شکوفایی شخصیت انسان در خانواده از نگاه قرآن و روایات چیست و کدام است؟

موانع رشد شخصیت در خانواده را می‌توان به دو حوزه جهل نظری و عملی تقسیم نمود. آن چه در مقاله آمده، بخشی از موانع مهم است که نگارندگان آنها را به آیات قرآن و روایات معصومان مستند کرده‌اند. در حوزه نظری، به پنج عامل اشاره شده و در حوزه عملی، هفت مورد بیان شده است. پایان بخش مقاله، نتیجه‌گیری از نگارش‌های صورت گرفته است.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. شخصیت

اسلام نیز به عنوان دین آسمانی و خاتم ادیان، از انسان و شخصیت انسانی دارای تعریفی است و این تعریف ناظر به جهان‌بینی و غایتی است که از انسان و شخصیت سالم انتظار دارد. شخصیت، مجموعه ویژگی‌های جسمی، عادات، تمایلات، حالات، احساسات، افکار و رفتارهایی است که به صورت نسبتاً پایدار در انسان وجود دارد و یا در او دیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ۱۴۱۸۳/۹؛ معین، ۱۳۷۵، ۲۰۳۲/۲) و به قول دهخدا، هویت واحدی که به «من» تعبیر می‌شود و در طول زمان با وجود تغییرات جسمی و روحی و فکری، باز هم همان «من» باقی می‌ماند، از دیگران متمایز است و شخصیت او وحدت دارد و منشأ صدور آثار متعدد است (همان).

شخصیت در قرآن به شاکله تعبیر شده است. ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء/۸۴)؛ بگو: هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند. در نگاه واژه‌شناسان عرب، شاکله از ماده شکل به معنای مهار کردن حیوان است و شکال، ریسمانی است که با آن دست و پای حیوان را می‌بندند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷، ۴۶۲). چنانکه به معنای صورت، هیأت، مثل، عادت، طبیعت، مذهب، نیت، خوی و راه و

روش گفته‌اند (همان: ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ۱۱/۳۶۰-۳۵۶). مفسران گفته‌اند: شاکله، سنجیه و خلق و خویی است که انسان را وابسته و مقید کرده و انسان تحت تأثیر آن است (راغب، همان: طباطبایی، بی‌تا، ۱۳/۱۹۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۸۹؛ مدرسی، ۱۳۷۷، ۶/۲۹۷-۲۹۸؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۱۲/۲۴۸-۲۴۹). برخی از آن به شخصیت اکتسابی انسان یاد می‌کنند که از مجموعه غرایز و عوامل تربیتی و اجتماعی حاصل می‌شود (جوادی آملی، همان).

بر اساس روایات ذیل، نیت انسان، همان رفتار بشر قلمداد شده که از شاکله انسان سرمی‌زند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَ إِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ - قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۴۶)؛ نیت برتر از عمل است، آگاه باشید که نیت همان عمل است. سپس آیه ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ را تلاوت نموده و فرمود: یعنی بر نیتش عمل می‌کند. امام علی علیه السلام نیت را زیربنای عمل و اعمال را، میوه و نتیجه نیت دانسته‌اند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ۵۶).

از این رو، نیت انسان از اعتقادات او برمی‌خیزد، به عمل او شکل می‌دهد و اصولاً، خود نیت یک نوع شاکله، یعنی امر مقیدکننده است؛ لذا گاهی نیت را به خود عمل تفسیر فرمودند و گاه آن را برتر از عمل شناخته، زیرا به هر حال، خط عمل منشعب از خط نیت است (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۲/۲۴۸).

روان‌شناسان با وجود عدم توافق در تعریف شخصیت^۱، بر این باورند که شخصیت، کل صفات و خصوصیات فرد است که به صورت دائمی در فرد موجود می‌باشد و موجب می‌شود که فرد با محیط ارتباط برقرار کند (ر.ک: کریمی، ۱۳۷۴، ۱: قلی‌زاده کلان، ۱۳۷۷، ۲: قیامی میرحسینی، ۱۳۹۱، ۱).

۲. خانواده

در قرآن کریم در بعضی موارد، برای خانواده از کلمه اهل (بقره/۱۸۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۲۲، ۲۲۳؛ نساء/۳، ۳۴، ۳۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۲۱؛ نور/۳۲؛ روم/۲۱) و به جز یک مورد که به استناد روایات متعدّد فریقین، مراد از «اهل بیت» (احزاب/۳۳) ویژه خاندان پیامبر و آل کساء

1. Personnalite.

است (طبری، ۱۴۱۲، ۵/۲۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ۳۷-۳۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۹۹/۵-۱۹۸؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۲۷۷/۴-۲۷۱؛ مجلسی، ۲۳۵/۳۵-۲۰۶) از خانواده به اهل بیت (هود/۷۳؛ قصص/۱۲) یاد شده است. در متون روایی نیز از خانواده به اهل انسان (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۲/۴؛ پاینده، بی تا، ۴۷۲؛ طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲، ۲۱۶) و اهل بیت (ورام، بی تا، ۶/۱؛ نوری، ۱۴۰۸، ۲۰۱/۱۲) یاد شده است. زن و شوهر و فرزندان بدون واسطه، (بقره/۱۸۷، ۲۲۸، ۲۲۳؛ نساء/۳، ۳۴، ۳۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۴۱؛ نور/۳۲؛ روم/۲۱؛ مجادله/۱ و ۴؛ تحریم/۱، ۵، ۱۱؛ تغابن/۱۴؛ فرقان/۷۴) و یا همراه با والدین (اسراء/۲۳، ۲۴؛ یوسف/۱۲، ۸، ۹۲، ۱۰۰؛ بقره/۱۳۲) و در برخی موارد والدین زن یا شوهر و دایی، خاله، عمو و عمه و فرزندان با واژه ارحام، (نساء/۱؛ انفال/۷۵؛ احزاب/۵۰؛ نور/۲۴) حکایت از مراتب این کانون دارد که در آیات قرآنی به ترتیب اهمیت از آنان یاد کرده است. (سالاری فر، ۱۳۸۵، ۱۳-۱۵)

وجود احکام خانواده مانند ازدواج، نفقه، ارث، طلاق، ولایت جد پدری و لزوم احترام به والدین در قرآن، کمترین تردیدی در توجه قرآن به این کانون بی بدیل اجتماعی نمی گذارد. توجه به میزان مسئولیت‌ها و حقوق اقتصادی، اجتماعی و رفتاری اعضای خانواده نسبت به هم و نیز اهدافی که تعالیم اسلامی برای تشکیل خانواده در نظر دارد، از جایگاه ارزنده این نهاد مقدس حکایت دارد.

ب. عوامل مؤثر بر شخصیت

عوامل گوناگونی به شکل اختیاری یا غیر اختیاری می‌توانند بر شاکله انسان تأثیر بگذارند و تا حد زیادی وابسته به تلاش انسان است. ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹-۴۱)؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست؛ ضمن آنکه زمان شکل‌گیری شخصیت انسان، مانند عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر متفاوت است.

تغذیه حلال (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۹۰، ۱۲۲) و حرام (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴/ص ۱)، وراثت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۳۴۶) خانواده (سیاسی، علی اکبر، بی تا، ۶۴) محیط (نوح/۲۶ و ۲۷؛ عالی، ۱۳۷۹ ص ۴۸) مربی (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸/ص ۴۸) هم‌نشین (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۳۳۶) اخلاق خوب یا بد خود فرد مانند سخاوت بخل و کبر (طیب، ۱۳۷۸، ۸/۳۰۰) از عوامل مؤثر بر شخصیت هستند. در این میان، عامل خانواده که از نظر قرآن دارای سه شاخصه

آرامش، مودت و رحمت است (روم/۲۱) بیشترین تأثیر را بر شخصیت انسان دارد؛ زیرا محیط خانواده، اولین، مناسب‌ترین و نسبتاً طولانی‌ترین زمان و مکانی است که کودک به آن قدم می‌گذارد و تمام نیازهای جسمی و روحی او می‌تواند در آن تأمین شود، چون هنوز هیچ چیز نمی‌داند (نحل/۸۷)^۱ و مانند زمین خالی، مستعد پذیرفتن هر نوع بذر اعم از بذر توحید یا شرک است. کسب مهارت، عاطفه، معاشرت‌های فردی و اجتماعی، اخلاق، تدبیر و... از آثار مهم خانواده در شخصیت انسان است. رسول ﷺ می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِجِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲/۱۰۰)؛ در اسلام، هیچ بنایی محبوب‌تر و عزیزتر از خانواده بنا نشده است. این تأثیر تا آنجاست که روانشناسان اجتماعی نیز در تحلیل بسیاری از خصوصیات رفتار افراد جامعه، به تربیت اولیه و تربیت خانوادگی آن‌ها رجوع می‌کنند (قلی زاده کلان، ۱۳۷۷، ۱۵۰). تأثیرگذاری خانواده منحصر در کودکان و نوجوانان نیست، بلکه حتی در شاکله و شخصیت زوجین نیز مؤثر است. چنانکه با تشکیل خانواده، در روایت تعبیر «احرز نصف دینه» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۸) بکار رفته است و موجب خوش خلقی افراد مجرد می‌شود. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «رَوْجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۶/۱۰۰)؛ مردان بدون همسر را زن دهید، زیرا خداوند با ازدواج اخلاق آنان را نیکو می‌گرداند.

ج. موانع رشد شخصیت انسان در خانواده از منظر قرآن و روایات

عوامل پیش‌گفته به منظور مقدمه‌ای بر رسالت مقاله پیش‌روست و درباره آن قلم‌فرسایی شده است که بدان اشاره شد. در این بین، موانعی وجود دارد که از تأثیر مثبت خانواده بر شخصیت انسان جلوگیری می‌کند و مانع رشد شاکله انسانی و هویت حقیقی انسان می‌شود. آسیب‌شناسی این عوامل، ترمیم‌کننده عوامل تأثیرگذار خواهد بود و به تقویت و شکوفایی رشد شخصیت انسان در خانواده به عنوان کانون مهم

۱. ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾؛ و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود، در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید!

تأثیرگذار می‌افزاید. موضوعی که از نگاه تراث اسلامی کمتر بدان اشاره و نیازمند دقت نظر بیشتری است.

این آسیب‌ها و موانع در دو حوزه قابل بررسی است: اول در حوزه عدم آگاهی والدین نسبت به خود، خداوند، شیطان و حقوق فرزندان و شیوه‌های تربیت است که در کلام مفسران به «حوزه جهل نظری» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۳۹۱) یاد شده است و دوم در حوزه عدم انجام وظایف شناخته شده که به استناد روایت امیرالمومنین علیه السلام که فرمودند: «رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۰۷، ۴۶۲) حوزه جهل عملی نام گرفته است. در گام نخست از جهل نظری به عنوان یکی از دو مانع مهم در شکوفایی و رشد شخصیت انسان در خانواده از منظر تعالیم اسلامی آغاز می‌کنیم:

۱. عدم آگاهی و شناخت انسان نسبت به خود

طبق تعالیم قرآنی، انسان دارای مقام خلیفة اللہی است (بقره/۳۰). او کسی است که مورد تکریم خداوند قرار گرفته (اسراء/۷۰) و خداوند، همه عالم را مسخر او گردانیده (لقمان/۲۰؛ حج/۶۵، ابراهیم/۳۳؛ نحل/۱۲؛ جاثیه/۱۳) و از چنان عظمت و جلالی برخوردار است که خداوند به فرشتگان امر کرد او را سجده کنند (بقره/۳۴؛ کهف/۵۰، اسراء/۶۱) و تنها او بود که قابلیت حمل بار امانت الهی را داشت (احزاب/۷۲)، اما گاهی از حقیقت و اصل خویش غافل شده، ارزش و کرامت ذاتی خویش را به فراموشی می‌سپارد. امام علی علیه السلام فرمودند: «الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، کلمات ۳۰۴، ۱۴۹): دانا کسی است که ارزش خود را بشناسد و برای مرد همین جهل کافی است که قدر خود را نشناسد و همین نادانی و جهالت را موجب هلاکت انسان می‌دانند. چنان‌که در جای دیگر می‌فرمایند: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ» (همان، کلمات ۱۴۹، ۴۹۷): فردی که قدر خود را نشناسد، هلاک می‌گردد. و یا به منظور توجه انسان به خود فرمودند: «گمان می‌کنی که جرم کوچکی هستی! درحالی‌که در تو، عالم بزرگی فراهم آمده است» (مبیدی، بی‌تا، ۱۷۵). به همین منظور است که خودشناسی رمز موفقیت انسان و بالاترین معارف و در ردیف شناخت خداوند محسوب شده است آنجا که فرمودند «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (مجلسی، ۱۴۰۳،

. (۳۲/۲)

پدر و مادری که نسبت به این جایگاه جهل دارند، نه تنها خود از شخصیت انسانی منظور، محرومند؛ بلکه نمی‌توانند شخصیت بهنجار و متعادلی که به دور از افراط و تفریط باشد، در فرزندان خود ایجاد کنند. احترام و توجه افراطی، موجب ایجاد شخصیت کاذب و خودبزرگ‌بینی در کودک می‌شود. در مقابل، تفریط و کم‌گذاری در احترام، سبب بی‌شخصیتی و خود گم‌گشتگی کودک خواهد شد. در این سنین، کودک بسیار مایل است بزرگ‌ترها به او توجه کرده و مانند دیگران با او رفتار کنند، حرف‌های او را گوش کرده و اعمال او را مسخره نکنند (فیاض بخش، ۱۳۸۹، ۱۱۵). کودکانی که دائماً شاهد بی‌احترامی و حریم‌شناسی اطرافیان بوده‌اند، برای اثبات شخصیت خود حالت تهاجمی و هتاک‌ی را نسبت به دیگران در پیش می‌گیرند و یا در اثر حقارت و پستی در محیط خانواده، به این باور می‌رسند که ذاتاً پست و حقیر آفریده شده‌اند و لذا، ممکن است کودکانی کم‌حرف، گوشه‌گیر و ستم‌پذیر شوند و تا پایان عمر، همیشه زیردست و حقیر زندگی کنند (همان، ۱۰۳). البته اگر چنین شود، نباید از شورش در امان بود. امام هادی علیه السلام فرمودند: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنْ سُرَّهُ» (حرانی، ۱۴۰۴، ۴۸۳)؛ کسی که نفسش برایش پست شد، از شر او در امان نباش.

۲. عدم آگاهی و شناخت نسبت به خدا

شخصیت اشخاص، رابطه مستقیمی با افق فکری آنان دارد. در اسلام، معیار ارزش انسانها به دانایی، معرفت، عقل، اهداف و آرزوها و اخلاق آنان است (ری شهری، ۱۴۲۱، ۴۱-۳۹ و ۵۳). انسان باید بداند مخلوق خداست (صافات/۹۶؛ اعراف/۱۸۹، شعراء/۱۸۴؛ انعام/۲؛ روم/۵۴) از اوست و به سوی او باز می‌گردد (بقره/۲، مومنون/۶۰). اگر به دنبال سربلندی است، عزت از آن خداست (فاطر/۱۰) و عزت از آن رسول خدا و باورمندان به خداست (منافقون/۸) و اوست که بر همه چیز آگاه و توانا است (آل عمران/۱۸۹؛ بقره/۲۸۴؛ طلاق/۱۲؛ انفال/۴۱). به منظور عبودیت او خلق شده (ذاریات/۵۶) و بازگشت همه به اوست (بقره/۲۸۵). رویگردانی از خدا و پذیرش طواغیت، نتیجه‌ای جز نابودی و جهنم نخواهد بود. ترس از شکست و ناکامی در صحنه‌های مختلف زندگی، یکی از

زمینه‌های تزلزل انسان و کشاندن او به پذیرش ذلت و تکیه بر قدرت‌هایی است که انسان تصور امداد از او دارد. ترس از انگ دشمنان (یونس/۶۵)، اقدامات منافقان (منافقون/۸) و جستجوی عزت در میان کفار از سوی منافقان (نساء/۱۳۹)، سه نمونه روشن قرآنی است که به دنبال آن خداوند، پیامبر ﷺ، مؤمنان و منافقان را به شکست‌ناپذیری خود توجه داده و فرموده است نباید از گفتار دیگران نگران باشید و اگر به دنبال عزت هستید تمام عزت از آن خداست.

عدم شناخت والدین از این موضوع به عنوان اعضای مؤثر خانواده، آغازی برای تزلزل در زندگی و متعاقباً، تصمیم و عملکردی غیر عزت‌مندانه در فضای زندگی است. آثار مستقیم آن نیز بر شخصیت فرزندان خواهد بود و مانعی در مسیر شکل‌گیری شخصیت مثبت فرزندان خواهد بود. توجه به خدا باعث نیرومندی، شجاعت، مقاومت، امید و پیروزی است و تا ده برابر، قدرت انسان را بالا می‌برد (انفال/۶۵) و چنان که در آیات فوق آمد، ترس و ناامیدی زمینه‌توسل به غیر خدا را فراهم می‌کند و همّت و اراده انسان را ضعیف می‌کند. چنین همتی علاوه بر فزونی حسرت در وقت مردن و بدبختی و بلا در روز قیامت (ری شهری، ۱۴۱۶، ۳۴۷۲/۴) مانع هویت‌بخشی به فرزندان و رشد شخصیت آنان خواهد بود. تزریق این روحیه به اعضای خانواده از پیامدهای زیان‌بار عدم شناخت خداوند و ایمان به اوست.

قرآن ثمره بریدن از خدا و دلدادگی به دیگران را این‌گونه ترسیم نموده است که: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه/۱۲۴)؛ و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم.

۳. عدم آگاهی و شناخت نسبت به وسوسه‌های شیطان

انسان باید بداند غیر از هوای نفسانی (ص/۲۶، یوسف/۵۳) که از درون، او را به سوی حیوانیت سوق می‌دهد، دشمنی دیرین، مصمم و قسم خورده‌ای (حجر/۳۹) از خارج وجودش به نام شیطان دارد که دائماً با وسوسه، به دنبال فریب اوست. خداوند در آیات گوناگون فرموده است: شیطان دشمن آشکار شماست (بقره/۱۶۸؛ انعام/۱۴۲؛ اسراء/۵۳) او

را دشمن بدانید (فاطر/۶) و از او پیروی نکنید (بقره/۲۰۸؛ ۱۶۸) مبدا شما را از راه بدر برد (زخرف/۶۲).

خداوند تجربه گرانسنگ این دشمنی را این گونه یاد آور شده است که:

﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِيَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ ای فرزندان آدم زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند، در حقیقت او و قبيله اش شما را از آنجا که آنها را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

به راستی، کدام کار از تربیت نسل نوپای انسانی مهم تر و مؤثرتر است؟ و کدام گناه، بزرگتر از غفلت و بی خبری از چنین دشمنی است که به سبب گمراهی خود به هر شکلی، در صدد انحراف انسان از صراط مستقیم (اعراف/۱۷-۱۶) خداوند است؟! آیا از فریب خورده شیطان و منحرف از صراط مستقیم خداوند، می توان انتظار شخصیت سالم و شخصیت ساز به مفهوم اسلامی آن داشت؟! آیا می توان از والدینی شیطانی، فرزندان لطیف، رئوف، دلسوز و انسان دوست بار آورد؟ به استناد فرمایش پیامبر ﷺ، نقش پدر و مادر در تربیت فرزندان تا آنجاست که آنها را طینت پاک فرزندان را به این سو و آن سو می کشند، آنجا که فرمود: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون أبواه یهودانه وینصرانه» (بخاری، ۱۴۰۳، ۲۸۱/۳).

۴. عدم آگاهی نسبت به شیوه های رشد و شکوفایی شخصیت

عقل و تجارب بشر در راه یابی و رشد، به خصوص رشد و شکوفایی شخصیت، ابزار و شیوه مغتنمی است؛ اما سخن از هدایت بشر، سخن از نقطه آرمانی کمال اوست که فلسفه خلقت او را شکل می دهد. این مأموریت، جز از مسیر آموزش و پالایش شخصیت انسان دست یافتنی نیست. به دلیل هدفمندی خلقت (ص/۲۷) و انسان (قیامت/۳۶) و پیچیدگی انسان و موانع پیش روی او در مسیر کمال، مهم ترین وظیفه انبیاء را خداوند، پالایش و آموزش انسان ها قرار داده است (بقره/۲۹؛ آل عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲).

وظیفه‌ای که تجربه بشر از خلقت آدم تاکنون نشان داده است با وجود اعطای عقل به انسان‌ها، هنوز نتوانسته و نخواهند توانست مسیر رشد خود را در عرصه‌های مختلف زندگی در رسیدن به هدف معین کنند. تعلیم و تهذیب مورد نظر قرآن، همان برنامه‌ای که حاصل آن، شکل‌گیری شاکله و شخصیت انسان است و جوشش اندیشه‌ها و نمایش رفتار او در گرو آن شخصیت است. برخلاف تلقی‌های نادرست و سهل‌انگاری‌هایی که در جامعه شاهدیم، بالاترین مهارت و تخصص، مهارت تربیت و تشخیص هویت انسانی یک انسان است. این مهم، فرآیندی زمان‌بر، دوجهات، روش‌مند و نیازمند آشنایی با شیوه‌ها در مقاطع مختلف سنی انسانهاست. بی‌تردید، مأمور ویژه اجرای این برنامه و شیوه‌ها در خانواده و مراکز آموزشی، والدین و مربیان هستند. ناآگاهی، بی‌توجهی، غفلت یا سر‌باززدن والدین از این برنامه‌ها، که شیوه حیوانی تشخیص شخصیت انسان است، از موانع مهم رشد مطلوب شخصیت در خانواده است. شیوه‌های حیوانی تربیت و شکل‌گیری شخصیت با شناختی عمیق از انسان و احساسات و عواطف او به دنبال شاکله‌ای است که در فقر و غنی، جوانی و پیری، خوشحالی و ناراحتی از مسیر مستقیم خارج نگردد و اخلاق، دیانت و عقلانیت بر رفتار و اندیشه او حاکم باشد. بی‌اطلاعی از این شیوه‌ها، محرومیت از چنان شاکله و شخصیت را به دنبال دارد و مانعی بزرگ بر سر راه رشد و شکوفایی شخصیت است.

۵. عدم آگاهی و شناخت والدین از حقوق فرزندان

حق و تکلیف دو عنصر لاینفک زندگی انسان است. خداوند در برابر حقوقی که برای انسان، بر خود و بر فرزندان فرض دانسته، تکالیفی هم بر عهده انسان گذشته است. حق بی‌بدیلی که خداوند برای پدر و مادر در قرآن (بقره/۸۳؛ نساء/۳۶؛ لقمان/۱۵؛ انعام/۱۵۱) و روایات (طبرسی، ۱۴۱۸، ۲۸۷-۲۷۷؛ مجلسی، ج ۷۱، ۸۷-۲۲) از آن یاد کرده، در برابر تکلیفی است که والدین می‌بایست بدان پای‌بند باشند و مسئولیت خود را در برابر آن به سامان برسانند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۹/۱۰۱-۸۹؛ همو، ۱۴۰۸، ۸۹/۲۱-۸۲؛ بروجردی، ۱۴۱۲، ۳۳۰-۴۵۰/۲۱). در دین اسلام، مسئولیت مستقیم تربیت فرزندان به عهده والدین است (همان). بلکه به دلیل تأثیر اسم بر مسمی و حتی مؤثر در تغییر افراد و جامعه (همان،

۳۳۳/۲۱) و لزوم همسویی این دو با هم، علاوه بر سفارش به تکریم و تربیت آنها (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۷۶/۲۱) در نام‌گذاری نیز توجه دارد و به فرمایش حضرت رضا علیه السلام، اولین خوبی مرد در حق فرزندش آن است که برای او نام خوب قرار دهد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۸/۶). بنا بر منابع فوق، این وظایف از دوران انتخاب همسر، تشکیل نطفه، بارداری و شیردهی شروع شده و در هر مرحله سنی نسبت به کودک مانند خداشناسی، علم‌آموزی، تربیت و تأدیب، آموزش قرآن، پرورش حسّ مسئولیت، تا مرحله ازدواج ادامه دارد (بروجردی، ۱۴۱۲، ۳۳۲/۲۱). ناآگاهی از حقوق و وظایف فوق، مانع رشد و شکوفایی شخصیت در خانواده است.

د. جهل عملی در ساختار خانواده

داشتن دانش کافی از عوامل رشد شخصیت در خانواده و یا شناخت موانع و آسیب‌های این فرآیند، شرط لازم برای این وظیفه و مأموریت هست، ولی شرط کافی نیست. با تأسف باید گفت که بیشتر نابسامانی‌های بشری در مسیر تکامل، بیش از آن که به فقدان معرفت برگردد، ناشی از جهل عملی اوست. این جهل، جلوه‌های گوناگون دارد که به تعدادی از آنان از نگاه متون می‌پردازیم:

۱. غفلت عملی از تعلیم و تربیت و رشد شخصیت

رهاسازی فرزندان (بروجردی، ۱۴۱۲، ۴۱۰/۲۱) سهل‌انگاری و مشغول کردن آنان به انواع سرگرمی‌های عصر حاضر مانند تلویزیون، وسائل مصرفی و بازی‌های وقت‌گیر و اکثراً وارداتی و مخرب و یا برون‌سپاری تربیت به اشخاص دیگر و مؤسسه‌های مدعی، با هر دلیلی که صورت گیرد، جایز نیست و جای والدین آگاه و وظیفه‌شناس را نمی‌گیرد. نتیجه توجه یا بی‌توجهی به موضوع تربیت و رشد شخصیت فرزندان در کلام امیرالمومنین علیه السلام اینگونه آمده است که: «ثمره و محصول تربیت، پرورش فرزند صالح و پیامد بی‌توجهی به امر خطیر تربیت، رشدیافتن فرزند ناصالح است» (اسحاقی، ۱۳۸۱، ۱۹). پدران و مادران به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله باید برای کودکان، کودکی کنند (بروجردی، همان، ۴۱۶/۲۱) چنان که خود عملاً این کار را انجام می‌داد (همان، ۲۱، ۴۱۷). پیامبر

اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خدا پیامرزد والدینی را که بر تربیت صحیح، فرزندشان را یاری دهند. (راوی) پرسید: چگونه او را بر نیکی یاری دهند؟ حضرت فرمود: والدین هرچه فرزندشان به اندازه توانایی خویش انجام می‌دهد، بپذیرند و آنچه را از انجام دادنش بر وی سنگین و تحمل‌ناپذیر است، از او نخواهند و او را به گناه و گردنکشی وادار نکنند (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۰/۶). والدین به دلیل آگاهی از خود، فضای زندگی، امکانات، علایق و سلیق خود و فرزندان، بهترین مربی و مرشد فرزندانند و برنامه‌ریزی آنان برای کودکان و نوجوانان بهتر از هر کسی به صواب نزدیکتر خواهد بود. بدیهی است بی‌توجهی به این مهم‌ها، مانع بزرگ رشد و شکوفایی شخصیت در فضای خانواده است. مانعی که خداوند از عواقب زیانبار آن اینگونه برحذر داشته است: ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم/۶)؛ خود و خانواده خویش را از آتش نگه دارید. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از مفهوم این سخن حق تعالی پرسیدند چگونه خانواده‌مان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمودند: [به نیکی‌ها] امرشان کنید و [از بدیها] نهی‌شان نمایید (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۲/۵)؛ «كَيْفَ نَقِي أَهْلَنَا قَالَ تَأْمُرُونَهُمْ وَتَنْهَوْنَهُمْ».

۲. بی‌توجهی به انجام شعائر، اخلاق و دستورات الهی در خانواده

شخصیت سالم، کسی است که به کمال و قرب الهی رسیده است و یا در مسیر کمال و قرب الهی است (شجاعی، ۱۳۸۸، ۴۱۲). چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ (اعلیٰ/۱۴)؛ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. بنابراین، موانع دستیابی به مقام قرب، مانع رشد و شکوفایی شخصیت هم محسوب می‌شوند. بی‌توجهی به حدود و شعائر الهی و غفلت از اقامه آن‌ها، ظلم به خود و ناقص‌انگاری شخصیت انسانی است: ﴿وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ (طلاق/۱)؛ این حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویش ستم کرده است. این خود، مقدمه انحطاط شخصیت و سقوط از مقام انسانی است. به همین دلیل است که خداوند تجاوز از این حدود را موجب جهنمی شدن انسان برمی‌شمارد: ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (نساء/۱۴؛ بقره/۱۸۷ و ۲۲۹؛ طلاق/۱)؛ و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را

کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

امیرالمومنین علیه السلام بالاترین سطح تضييع دين را، رهاسازی فرائض و ترک اقامه آنان دانسته و فرمودند: «مَا أَوْهَنَ الدِّينَ كَثْرُكَ إِقَامَةَ دِينِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَضْيِيعَ الْفَرَائِضِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۷۰۰)؛ هیچ چیز مانند ترک برپایی دین خدا و ضایع کردن فرائض، دین را خوار نمی‌کند. در همین راستاست که شهید مطهری نوشته است: «در اسلام، هر عملی که موجب انصراف و غفلت از خدا شود، به نوعی ممنوع (مکروه، حرام) است. مثل افراط در گفتن و افراط در خوردن» (مطهری، ۱۳۸۷، ۱۲۶).

در مقابل، اهتمام به رعایت حدود الهی، یعنی اکتفا به موارد حلال الهی و پرهیز از تجاوز از حدود الهی، نخستین قدم در تزکیه و تربیت و ساخت شخصیت سالم است. «تقوا و تزکیه نفس موجب پرورش اراده انسان می‌شود. به اراده اخلاقی انسان قدرت و توانایی بکار بستن می‌دهد» (همان، ۱۲۵). اخلاق به عنوان مجموعه ملکات هر فرد که معمولاً در رفتارش نمود می‌یابد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۲، ۲۶)، نیازمند آموزش عملی والدین به فرزندان در خانواده است. موضوع اخلاق آن قدر مهم است که فلسفه بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله واقع شده است: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (نوری، ۱۴۰۸، ۲۸۲/۲)؛ من مبعوث شدم برای اتمام مکارم اخلاق. از فرمایش امیرالمومنین علیه السلام که فرمودند: «أَنَّهُ قَالَ لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكُنَّا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النِّجَاحِ» (بروجردی، همان، ۱۴، ۲۱۰) این گونه فهمیده می‌شود که مکارم اخلاقی، نه تنها بُرد آخرتی و کمال انسانی در پی دارد، بلکه حتی بُرد دنیوی آن نیز قابل انکار نیست؛ چه آنکه در دیدگاه اسلامی، تزکیه نفس و پرورش بُعد اخلاقی انسان، زمینه‌ساز رشد ابعاد دیگر اوست (تنه‌کار، ۱۳۸۹، ۱۲).

انجام واجبات و تعظیم شعائر الهی، مانع نفس اماره است و موجب تعادل در همه ابعاد شخصیت انسان می‌گردد. تا انسان از هوای نفس خالی نشود و با شیطان مبارزه نکند، اخلاص پدید نمی‌آید و زمینه پیمودن راه حق و سیر إلى الله حاصل نمی‌شود. اولین قدم پس از مبارزه با شیطان، سعی در عبادت برتر، یعنی نماز است (فرهادیان، ۱۳۹۲، ۱۷۴). پدر و مادری که خود، حافظ حدود الهی نیستند، نباید انتظار داشته باشند

که فرزندانشان عامل به این امر باشند. کودکان ما همانگونه زندگی را تجربه می کنند که ما قلباً حس می کنیم و فرزندان ما آن گونه تربیت می شوند که ما عملاً و باطناً هستیم، نه آن گونه که ظاهراً هستیم و یا می خواهیم! (کریبی، ۱۳۸۵، ۸) پدر و مادر وقتی چیزی به فرزندشان بگویند، ولی خود به آن عمل نکنند، نزد خداوند بسیار نگران کننده است: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف/۳)؛ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویند که عمل نمی کنید. سفارش به نماز و روزه از سن هفت سالگی و قبل از تکلیف از سوی والدین در کلام امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام (بروجردی، همان، ۴۰۵/۲۱، ری شهری ۱۴۱۶، ۴/۳۶۸۱)، بسترسازی مناسبی برای دیگر شعائر عبادی و الهی است.

۳. عدم رعایت شرایط سنی در آموزش و تربیت

رعایت شرایط سنی فرزندان و طبقه بندی دانش های تعلیمی، امر لازمی است و الا به تعادل شخصیت متربی لطمه می زند. از منظر تعلیمات اسلامی، رعایت دوره های سه گانه لازم است. فرزندان تا هفت سالگی باید بچگی کنند و بزرگان نیز باید در این بازی های بچه گانه مانند پیامبر صلی الله علیه و آله (بروجردی، همان، ۴۱۶/۲۱) با آنان همراهی کنند. در روایات، از این دوره به پادشاهی و سیادت (دوره بازی و کودکی) یاد شده است. از دوره دوم به (دوره بندگی و فرمانبرداری) یاد شده که شدیداً باید مراقبت شوند و مورد آموزش و امر و نهی عملی و نظری قرار گیرند. از هفت ساله سوم به وزارت یاد شده و لازم است ضمن یادگیری مسائل حلال و حرام، با مسائل حقوقی خود آشنا شده و به تدریج با مشاوره و مشارکت در کارها، حضور در کارهای جمعی و اجتماعی را تجربه نماید (بروجردی، همان، ۴۱۰/۲۱-۴۰۶). جابجایی هر یک از دوره ها، نه تنها سیر تدریجی تربیت را به هم می زند، که مانعی در شکل گیری شخصیت فرزندان خواهد بود. به عنوان مثال، آموزش مسائل جنسی در دوره اول و دوم، حتی در مراحل ابتدایی هم قابل پذیرش نیست و نوعی انحراف از مسیر تربیت خواهد بود. رهاسازی بچه ها در برخی خانواده ها در فضاهای مجازی، امروزه نمونه بارزی از انحراف است که بر آگاهان جامعه پوشیده نیست. برعکس، بچگی نمودن با فرزندان در دوره سوم، سوزاندن زمان

یادگیری مسائل اجتماعی و عقیدتی است که خود، نوعی انحراف از تربیت و مانع شکوفایی شخصیت آنان است.

۴. غفلت از آموزش مسائل عقیدتی، فکری و تفریحی

یکی از شاخصه‌های مهم شخصیت، شاخصه فکری است. بهترین زمان و مکان برای شکل‌گیری شخصیت فکری و اندیشه‌ای و واکنش‌ها در برابر امواج افکار باطل و رنگارنگ، دوران نوجوانی و جوانی است که فرزندان، در فضای خانواده بسر می‌برند. مجهز بودن والدین به این مهم و آموزش فکری عقیدتی فرزندان در محیط خانه و آموزشگاه‌های مناسب، از سفارشات اکید اسلام است. امام صادق علیه السلام نسبت به آسیب عصر خود فرمودند: «قبل از آنکه فرزندان در دام «مرجنه» گرفتار شوند به آنان حدیث [مسائل مهم فکری و عقیدتی از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام] را بیاموزید» (بروجردی، همان، ۴۰۸/۲۱). در حدیثی از امام علی علیه السلام تصریح شده که برای جلوگیری از خطر مرجنه، فرزندان را از علوم ما بیاموزید (ری‌شهری، ۱۴۱۶، ۳۶۸۰/۴). طبیعت سنی فرزندان و اقتضای دوران کودکی چنان که در دوره‌های سه‌گانه آمد، بازی و سرگرمی است که در شخصیت افراد تأثیرگذار است. مشغله‌های این دوران، مثل مشاغل دوران‌های دیگر، گوناگون و دارای فوائد و آسیب‌هایی است. توجه به سرگرمی راهبردی، مانند شنا و تیراندازی و اسب سواری که هر کدام، فوائدی در کوچکی و بزرگی انسان بر آنان مرتب است، از توجهات مهم و مصادیق راهبردی سرگرمی است. رسول خدا در این باره فرمودند: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَعْلَمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ وَ أَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّباً وَ أَنْ يَزُوجَهُ إِذَا بَلَغَ» (منتظری، ۱۳۸۰، ۴۰۵/۱). سبک زندگی، امروزه بیش از گذشته نیازمند چنین سرگرمی‌هایی است و موارد مذکور، مصادیقی از سرگرمی‌های مشروع است که در باروری شخصیت انسانها و سودمندی آنان تأکید دارد. از طرفی، خلاء آنها، مانع رشد و شکوفایی شخصیت انسان در خانواده است.

۵. آسیب دیدن روابط همسران در خانواده

احترام و تکریم، ایثار و فداکاری، برخورد منطقی، عذرخواهی هنگام اشتباه و چشم‌پوشی از خطاها و رعایت عفاف و حدود الهی از ویژگی‌های سازنده و سالم

همسران است (حسینی، ۱۳۸۶، ۷۵-۴۴). عواملی مانند تقوا، شناخت متقابل حقوق و نیازهای همسر، همسویی‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هماهنگی با شرایط زندگی، در ایجاد روابط سالم همسران بسیار مؤثر است. بدیهی است چنین روابط سالمی، آثاری همچون امنیت روانی (اعراف/۱۸۹)، کاهش ناهنجاریها و اختلافات، کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق و متقابلاً رشد فکری، دینی و فرهنگی خانواده (مجلسی ۱۴۰۳، ۲۱۹/۱۰۳) را به همراه دارد. خانواده با شرایط فوق، بهترین محیط برای رشد شخصیت فرزندان است. ناسازگاری میان زن و مرد که در قرآن از آن به نشوز یاد شده است (نساء/۳۴ و ۱۲۸) محصول عوامل مختلفی همچون عدم رعایت حقوق مشترک و خاصه همدیگر، عوامل روانشناختی، دینی - اخلاقی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، جسمانی و بدنی است (سالاری‌فر، ۱۳۸۷، صص ۱۴۴-۱۳۴). آثار و پیامدهای این ناسازگاری علاوه بر آثار آخروی و دنیوی بر زوجین، لطامات شدید جسمی (قائمی، ۱۳۸۶، ۳۰۸) روانی و عاطفی مانند بدگمانی، کینه و نفرت بر شخصیت فرزندان وارد می‌کند (همان، ۶۵)؛ آثار مخرب مذکور، از مهم‌ترین آثار اختلافات خانوادگی و مانعی در مسیر رشد شخصیت است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳، ۴۸۵).

۶. آسیب دیدن روابط والدین و فرزندان در خانواده

فقدان درک متقابل در فضای خانواده، یکی از موانع رشد شخصیت فرزندان است؛ زیرا از یک طرف، موجب عدم درک و یا انکار احساسات و نیازهای خود و فرزندان می‌شود و از طرف دیگر، فرزندان، راهنمایی‌ها و توصیه‌های والدین را پذیرا نخواهند بود. در کلام معصومان، اگر از تکریم اولاد سخن گفته شده (وسائل الشیعه، ۱۴۰۹، ۱۹۵/۱۵)، در عین حال از منع جرئت‌یابی و جسارت فرزندان بر والدین هم گفته‌اند؛ زیرا چنین تفوقی، موجبات نارضایتی آنان در بزرگسالی خواهد بود (بحارالانوار، ۱۴۰۳، ۳۷۴/۷۸)، بدین ترتیب از یکدیگر فاصله گرفته و حالت تدافعی نسبت به هم می‌گیرند. والدینی که احساسات فرزندان خود را انکار می‌کنند یا از طرز فکر و عمل آنها به شدت انتقاد می‌کنند... سبب می‌شوند کودک در موضع دفاعی قرار بگیرد به گونه‌ای که یا ترجیح دهد برای فرار از نصیحت و قضاوت‌های عجولانه والدین سکوت کند و

در خود فرو رود و یا با افراد خارج از محدوده خانواده، رابطه برقرار کند و الگو بگیرد (احمدی، ۱۳۹۱، ۷۳).

بر اساس فرمایش پیامبر ﷺ باید فرزندان را در خوبی یاری و از ایجاد لجاجت و گردنکشی آنان با تحمیل دستورات سنگین (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۰) و سرزنش زیاد، اجتناب کرد. در همین راستا، امام علی علیه السلام فرمودند: «الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نَيْرَانَ اللَّجَاجِ» (حرانی، ۱۴۰۴، ۸۴)؛ زیاده روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می سازد. بر این اساس هرگونه لطمه به روابط والدین با فرزندان، مانع از اثرگذاری آثار مثبت خواهد شد و متعاقباً مانع رشد و شکوفایی شخصیت آنان خواهد گردید.

۷. دنیاگرایی فضای خانواده

یکی از موانع رشد شخصیت انسان، دنیا و مظاهر فریبنده آن است. گاه انسان چنان در جریان مسائل زندگی، خود را گرفتار می کند که فراغتی برای ساختن شخصیت خود یا فرزندان خود نمی یابد. خداوند متعال در قرآن سفارش می کند که در پس دنیا و مظاهر دل فریب آن، خود و خدا را فراموش نکنید که سبب خسران و ضایع شدن شخصیت شما خواهد شد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (منافقون/۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل نکند و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند. روایتی تکان دهنده از پیامبر ﷺ نقل شده است که حضرت، پس از نگاهی به برخی اطفال اطراف خود فرمودند: «وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان! پرسیدند [مراد] پدران مشرک آخرالزمان است؟ پیامبر ﷺ فرمودند خیر؛ از دست پدران [به ظاهر] مؤمن آنان. پدرانی که هیچ یک از فرائض را به اولادشان نمی آموزند و زمانی که خود فرزندان به یادگیری فرائض می پردازند، پدرانشان آنان را از این کار باز می دارند و به شرافت و آبروی ناچیز دنیوی به آنان خرسندند. همانا من از آنان بیزارم و آنان نیز از من بیزارند. (همان: ۴۰۸/۲۱) وضوح روایت بی نیاز از توضیح است؛ زیرا دنیاگرایی کسانی که خود در تدبیر و ایمان، روزگاری را سپری کرده اند به جایی می رسد که نه تنها خود به عقب برگشته و حاضر به ترغیب و تشویق فرزندان خود به

فرائض دینی نیستند، بلکه مانع فرزندانی می‌شوند که با اراده خود به سوی یادگیری فرائض می‌روند. آنان با خرسند بودن به نگاه دنیوی فرزندان، به اندک شرافت و آبروی دنیای گذرا راضی‌اند و به حرکت ایمانی و تدبیر فرزندان رضایت نمی‌دهند. مسیری که پیامبر از آنان و مسیرشان اعلام برائت می‌کند و در بی‌علاقگی این طایفه از خود نیز خبر می‌دهد. چنین فضای خانوادگی، مسلماً مانع رشد سالم شخصیت انسان است و مانع شکوفایی شخصیت انسان در خانواده خواهد شد.

نتیجه‌گیری

شخصیت انسان اعم از سالم یا ناسالم، برآیند تلاش مجموعه عوامل شکل‌گیری آن در فرآیند تعلیم و تربیت است. در این فرآیند، خانواده بیشترین سهم را داراست. آموزه‌های اسلامی به دلیل درک حقیقی از ماهیت انسان، بهترین منبع در شناخت عوامل رشد و یا موانع آن است. نگارندگان با مطالعه مستقیم آموزه‌ها در متون اسلامی، اعم از قرآن و روایات و دیگر منابع نگارش یافته، به مهمات آن اشاره کرده‌اند. در حوزه نظری، آسیب‌ها و موانع رشد شخصیت انسان در خانواده، ناشی از ناباوری به خدا، جهل والدین نسبت به خود و جایگاه پدر مادری، حقوق فرزندان، غفلت از شیطان، ناآگاهی از شیوه‌های آموزش و پرورش فرزندان است و در حوزه عمل، موانع رشد ناشی از بی‌توجهی به فرآیند عملی آموزش و پرورش، بی‌اعتنایی به شعائر اسلامی و اخلاق و احکام الهی، عدم رعایت شرائط سنی در فرآیند تربیت، آسیب دیدن روابط همسران با یکدیگر و با فرزندان و دنیاگرایی و دنیانگری والدین است.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آژنگ، نصرالله، گنجینه لغات فارسی به فارسی، جلد اول، گنجینه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
۳. احمدی، علی اصغر، تربیت فرزند، مهدی رضایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
۴. اسحاقی، حسین، سلوک علوی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، دنیای دانش، تهران، بی تا.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۷. تته کار، محسن، اشتباهات دینی فرزندان را تقویت کنید، نسیم حیات، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹.

۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن - فطرت در قرآن، اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴.
۱۱. حسکانی، عبدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۲. حسینی، سید داود، روابط سالم در خانواده سالم، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، روزنه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. ری شهری، محمد، العقل والجهل فی الكتاب والسنة، تحقیق: دار الحدیث للطباعة، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۱۶. سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۱۷. سبحانی نیا، محمد تقی، رفتار اخلاقی انسان با خود، دار الحدیث، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۹. شجاعی، محمدصادق، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۸.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۱. شعاری نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، علی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، تحقیق: مهدی هوشمند، دارالحدیث، ۱۴۱۸.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۵. فرهادیان، رضا، درآمدی بر شکل‌گیری شخصیت انسان در تعلیم و تربیت، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۲۶. _____، والدین و مربیان مسئول، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.
۲۷. فیاض بخش، محمدتقی، کرامت نفس در تربیت کودک، فردافر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۲۸. قلی‌زاده کلان، فرض الله، تربیت در محیط خانواده، پارسایان، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.
۲۹. قیامی میرحسینی، سید کمال، شخصیت و شخصیت‌شناسی، سیمرغ خراسان، چاپ اول، مشهد، ۱۳۹۱.
۳۰. کریمی، عبدالعظیم، کودک؛ تربیت؛ زندگی، عابد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
۳۱. کریمی، یوسف، روانشناسی شخصیت، نشر و ویرایش، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۷۴.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، چاپ شصتم، تهران، ۱۳۸۷.
۳۶. معین، محمد، فرهنگ معین، میلاد، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۵.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۸. منتظری، حسینعلی، درس‌های از نهج البلاغه، نشر سربابی، تهران، ۱۳۸۰.
۳۹. میبدی، حسین، دیوان امیر المؤمنین علیه‌السلام، مترجم، مصطفی زمانی، دار نداء الإسلام للنشر، قم، بی‌تا.